

کتابِ دانیال — نمبر تئیس

مردمان استہزاکنندہ

Jeff Pippenger

2023-12-18

خواہر وایت تصریح کرد کہ ہنگامی کہ بناہای عظیم شہر نیویورک فرو افکندہ شوند، مکاشفہ، فصل ہجدهم، آیات یک تا سہ، بہ تحقق خواہد پیوست۔

اور ان باتوں کے بعد میں نے ایک اور فرشتہ کو آسمان سے اُترتے دیکھا، جس کے پاس بڑا اختیار تھا؛ اور زمین اُس کے جلال سے منور ہو گئی۔ اور اُس نے بڑی قوت کے ساتھ بلند آواز میں پکار کر کہا، عظیم بابل گر گیا، گر گیا، اور وہ شیاطین کا مسکن، اور ہر ناپاک روح کی پناہ گاہ، اور ہر ناپاک اور مکروہ پرندے کا پنجرہ بن گیا۔ کیونکہ سب قومیں اُس کی زناکاری کے غضب کی مے میں سے پی چکی ہیں، اور زمین کے بادشاہوں نے اُس کے ساتھ زناکاری کی ہے، اور زمین کے سوداگروں نے اُس کی عیش و عشرت کی فراوانی سے دولت حاصل کی ہے۔ مکاشفہ 18:1-3۔

تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ء، «پادشاہان» زمین پیشاپیش با کلیسای روم زنا کردہ بودند۔ پس از جنگ جهانی دوم، رئیس جمہور ہری اس۔ ترومن برای نخستین بار در سال ۱۹۵۱ سفیری بہ واتیکان منصوب کرد۔ تلاش او برای برقراری رابطہ ای سیاسی با پاپیت بہ صراحت از سوی کنگرہ ایالات متحدہ رد شد؛ اما دہہ ہا بعد، ہنگامی کہ رئیس جمہور رونالد ریگان در سال ۱۹۸۴ سفیری بہ واتیکان منصوب کرد، چنین نشد۔ تا سال ۲۰۰۱ء، ہمہ ملت ہا از طریق برقراری رابطہ ای دیپلماتیک با فاحشہ صور، با واتیکان زنا کردہ بودند۔

تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ء، تمامی «امت ہا» از شرابِ خشم زنا ی او نوشیدہ بودند۔ شرابِ بابل نمایانگر ہمہ انواع گوناگونِ تعالیم باطل است کہ از سوی پاپیت عرضہ می شود؛ اما آن نوع خاص از شراب کہ در این آیات مشخص شدہ است، شرابِ خشم زنا ی اوست۔ خشمِ پاپیت، همان آزار و جفای او بر کسانی است کہ با ایشان ہم عقیدہ نیست۔ او آزار خود را از طریق بہ کارگیری قدرتِ دولت برای انجام کارہای ناپاک خویش بہ انجام می رساند۔ شرابِ خشم او، آن شیشہ ویژہ خطای اوست کہ نمودار اقدام بہ کارگیری دولت بر ضد کسانی است کہ ایشان را بدعت گذار می شمارد۔

در دورہ زمانی از ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ء، آدونتیسم میلری، کہ از قرون تاریک فراخواندہ شدہ بود و از کلیسای پروتستانی کہ در آن زمان دختران روم شدہ بودند جدا گردیدہ بود، آنگاہ بہ شاخِ حقیقیِ پروتستان بر آن وحشِ زمینی تازہ پدیدار بدل شد۔ پطرس ویژگی ہای آن قوم تازہ برگزیدہ خدا را بہ منزلہ یک ملت معرفی می کند۔

لیکن تم ایک برگزیدہ نسل، شاہی کہانت، مقدس قوم، اور خدا کی خاص ملکیت والی اُمت ہو، تاکہ اُس کی فضیلتوں کو ظاہر کرو جس نے تمہیں تاریکی میں سے اپنی عجیب روشنی میں بلایا ہے؛ تم جو پہلے لوگ نہ تھے، مگر اب خدا کے لوگ ہو؛ تم پر پہلے رحم نہ ہوا تھا، مگر اب تم پر رحم ہوا ہے۔ 1 پطرس 2:9، 10

تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ء، کلیسای ادونتیست روز ہفتم پیشاپیش ساختار سیاسی حکومت ایالات متحدہ را برای حملہ بہ کسانی کہ آنان را بدعت گذار می پنداشت، بہ کار گرفتہ بود، و این کار را بارہا انجام دادہ بود۔ بسیار پیش از سال ۲۰۰۱ء، ادونتیست ہا از آن شرابِ خاص بابل کہ نماد بہ کارگیری قدرتِ دولت برای حملہ بہ کسانی است کہ آنان را بدعت گذار می شمارد، نوشیدہ بودند۔

افرایم نماد شورش یربعام و پادشاهی شمالی اسرائیل است، و اشعیا فصل بیست و هشت را با خطاب قرار دادن کلیسای ادونتیست روز هفتم به عنوان مستان افرایم آغاز می‌کند.

افسوس بر تاج تکبرِ مستان افرایم، که زیبایی پر جلال ایشان چون گلی پژمرده است، و بر سر وادی‌های حاصلخیز آنان قرار دارد که از شراب مغلوب گشته‌اند! اینک، خداوند شخصی نیرومند و مقتدر دارد که همچون تندبادِ تگرگ و توفانی هلاک‌کننده، و همچون سیلابِ آب‌های زورآور طغیان‌کننده، آن را با دست بر زمین خواهد افکند. تاج تکبر، مستان افرایم، زیر پاها پامال خواهد شد؛ و آن زیبایی پر جلال که بر سر وادی حاصلخیز است، چون گلی پژمرده خواهد بود، و همچون میوه نوبرانه پیش از تابستان؛ که هر که بدان بنگرد، چون آن را در دست گیرد، بی‌درنگ آن را می‌خورد. در آن روز، یهوه صباوت برای باقی‌مانده قوم خویش تاج جلال و افسر زیبایی خواهد بود، و روح داوری برای آن که بر مسند داوری می‌نشیند، و قوت برای آنان که جنگ را تا دروازه باز می‌گردانند. اما اینان نیز از راه شراب به خطا رفته‌اند، و از باده مسکر منحرف شده‌اند؛ کاهن و نبی از باده مسکر به خطا رفته‌اند، شراب ایشان را فروبلعیده است، از باده مسکر منحرف شده‌اند؛ در رؤیا خطا می‌کنند، و در داوری لغزش می‌ورزند. زیرا همه سفره‌ها از قی و نجاست پر شده است، چندان که هیچ جای پاکی باقی نمانده است. اشعیا 1:28-8.

سومین وای در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، و بر «تاج» فرود آمد؛ تاجی که رهبری «میگساران افرایم» را نمایندگی می‌کند. این وای با هواپیمایی آکنده از سوخت به مقر کلیسا در مریلند حمله نکرد، اما ناتوانی ایشان را در تشخیص این حقیقت آشکار ساخت که ظهور اسلام وای سوم، آغاز پیام باران آخر فرشته سوم بود؛ آغاز همان پیام و کاری که مدعی‌اند برای اعلام آن برانگیخته شده‌اند. آنان نه تنها به عنوان تاج، که نمایانگر رهبری است، بلکه به عنوان «تاج غرور» نیز شناسانده می‌شوند، و بدین‌سان یکی از آن دو گروه پرستندگان را معرفی می‌کنند که در مجادله باب دوم حقوق پدید آمده بود و پدید می‌آید. در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، دیده‌بانان حقوق در نبرد نزد دروازه، در جایگاه‌های خود ایستادند.

دروازه‌های اورشلیم جایی بود که تعامل مردم اورشلیم در آن انجام می‌گرفت. نبرد در دروازه‌ها نمایانگر «مجادله» فصل پیشین اشعیا است که در روز باد شرقی (روز اسلام) آغاز شد. دو طبقه از عبادت‌کنندگان حقوق در این بخش، به وسیله دو تاج بازنمایی شده‌اند. مستان افرایم، که تا آن زمان برای پیروز شدن در استدلال‌های خود بر ضد کسانی که آنان را بدعت‌گذار شمرده بودند، از قدرت دولت بهره گرفته بودند، در تقابل با تاج یهوه صباوت قرار داده شده‌اند. هنگامی که مسیح به عنوان یهوه صباوت بازنمایی می‌شود، این نماد کار او به مثابه رهبر لشکر خویش است. نبرد در دروازه، همان جنگی است که در مجادله بر سر الهیات راستین و کاذب بازنمایی شده است.

نه صرف جنرل کانفرنس کی قیادت می‌افرائیم که مستون کے طور پر پیش کی گئی ہے، بلکہ کابن بھی (یعنی خادمان کلیسیا) اور نبی بھی (یعنی الہیات کے ماہرین اور معلمین) نشہ آور شراب کے باعث راہ سے بھٹک گئے ہیں۔ جیسا کہ یسعیاہ اپنی نبوت کی ابتدائی آیات میں فرماتا ہے، یہ پوری کلیسیا ہے۔

رؤیای اشعیا بن آموص، که آن را دربارهٔ یهودا و اورشلیم در ایام عزّیا، یوتام، آحاز، و حزقیا، پادشاهان یهودا، دید. ای آسمان‌ها، بشنوید، و ای زمین، گوش فرا ده: زیرا خداوند سخن گفته است، فرزندان را پروراندیم و بزرگ کردیم، اما ایشان بر من عصیان ورزیده‌اند. گاو صاحب خود را می‌شناسد، و الاغ آخور ارباب خویش را؛ اما اسرائیل نمی‌شناسد، قوم من تأمل نمی‌کند. آه، ای امت گناه‌پیشه، قومی گرانبار از عصیان، نسل بدکاران، فرزندان که فساد می‌ورزند: خداوند را ترک گفته‌اند، قدوس اسرائیل را به خشم آورده‌اند، و به عقب برگشته‌اند. چرا دیگر زده شوید؟ شما بیشتر و بیشتر سرکشی خواهید کرد: تمامی سر بیمار است، و تمامی دل ناتوان. اشعیا 1:۵-۱۱.

قوم گنہگار بیمارے، اور وہ اس وقت سے گزر چکی ہے جہاں کوئی ایسا علاج مہیا کیا جا سکتا ہو جو اس کے دل و ذہن کو بدل دے۔ یسعیہا نشان دہی کرتا ہے کہ مے خوار راہ سے بھٹک گئے ہیں، اور یرمیاہ اس راہ کو "قدیم راستے" کے طور پر متعین کرتا ہے۔ 11 ستمبر 2001 کو پچھلی بارش برسنا شروع ہوئی، اور یرمیاہ واضح کرتا ہے کہ جب ہم قدیم راستوں پر چلتے ہیں—جو وہی "راہ" ہے جس سے مے خوار بٹ گئے ہیں—تو ہم پچھلی بارش کی راحت پاتے ہیں۔

چنین می‌گوید خداوند: «بر راه‌ها بایستید و بنگرید، و از راه‌های قدیم بپرسید که راه نیکو کدام است؛ پس در آن سلوک نمایید، و برای جان‌های خویش آرامی خواهید یافت.» اما ایشان گفتند: «در آن سلوک نخواهیم کرد.» و نیز دیدبانانی بر شما گماشتم که می‌گفتند: «به آواز کَوتا گوش فرا دهید.» اما ایشان گفتند: «گوش نخواهیم داد.» پس بشنوید، ای امت‌ها، و بدان، ای جماعت، آنچه در میان ایشان است. بشنو، ای زمین: اینک من بر این قوم بلا خواهم آورد، یعنی ثمره اندیشه‌های ایشان را، زیرا به سخنان من گوش فرا ندادند، و شریعت مرا رد کردند و آن را نپذیرفتند. ارمیا

۱۹-۱۶:۶

مستیان افرایم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از راه منحرف شده‌اند، و در سال ۱۸۶۳، هنگامی که فرایند رد کردن «طریق‌های قدیم» را آغاز کردند، «به عقب برگشته‌اند». در همان «طریق‌های قدیم» است که آرامش و طراوت باران آخر یافت می‌شود، و آن باران درست در همان زمانی آغاز شد که «وای» بر ایشان اعلام گردید. «وای» سوم اسلام برای تاج غرور افرایم قابل تشخیص نبود، زیرا آنان به تدریج حقایق بنیادی‌ای را که نقش اسلام را در نبوت مشخص می‌سازد رد کرده بودند. ارمیا مشخص می‌سازد که در آن زمان خداوند دیدبانانی برانگیخت، که همان دیدبانان حقیق‌اند، و آنان در نبرد دروازه‌ها به مستیان افرایم اعلام کردند که باید به صدای کرنا گوش فرا دهند. «وای» سوم که در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرا رسید، همان شیور هفتم بود.

الاولا مشخص می‌سازد که «از شراب مسکر از راه منحرف شده‌اند؛ در رؤیا خطا می‌کنند و در داوری لغزش می‌خورند. زیرا همه سفره‌ها از قی و کثافت پر شده است، به‌طوری‌که هیچ جای پاکی باقی نمانده است.» آن سفره جعلی که در سال ۱۸۶۳ معرفی شد، که «هفت زمان» را حذف کرد و مستلزم جزوهای توضیحی برای همراهی با آن بود، نمودار بدل آن دو سفره مقدس حبقوق است؛ اما «سفره‌های» جعلی‌ای که این مستان به کار گرفته‌اند، از قی پر است و ایشان در رؤیا خطا می‌کنند. به نگهبانان حبقوق و ارمیا گفته شد که در مجادله مربوط به روش‌شناسی، باید «رؤیا» را بر «سفره‌ها» بنویسند؛ اما سفره‌های جعلی مستان، رؤیایی خطاآمیز عرضه می‌کند.

جہاں رویا نہ ہو، وہاں لوگ ہلاک ہو جاتے ہیں؛ لیکن جو شریعت پر عمل کرتا ہے، وہ مبارک ہے۔ امثال 29:18

مستانِ افرایم شریعتِ خدا را رد کرده‌اند، اما سیاق «مجادله»، یعنی نبردِ دروازه، شریعتِ نبویِ خداست، آن‌گونه که در روش‌شناسیِ برقرارشده در جنبشِ فرشته اول و سوم نمایان شده است. اشعیا، پس از آنکه صحنه را در هشت آیه نخستِ بابِ بیست‌وهشت برقرار می‌سازد، سپس آن روش‌شناسی را که همان بارانِ آخر است مشخص می‌کند، و به‌طور خاصِ مستان را به‌عنوان «مردانِ استهزاگر، که حکومت می‌کنند» «در اورشلیم» معرفی می‌نماید.

छन् छुटाइएका दूधबाट जो तीहरूलाई? बुझाउनुहुने सदिधान्त कसलाई र? सकाउनुहुने ज्ञान कसलाई उहाँले रेखा रेखामाथि; आज्ञा आज्ञामाथि, आज्ञा आज्ञामाथि कनिक छन्। गराइएका अलग स्तनबाट र अर्को र ओठहरूद्वारा हकलनि उहाँले कनिक हिनुपर्छ। अलकित त्रिहाँ र, अलकित त्रिहाँ; रेखा रेखामाथि तमिँहरू जसद्वारा, हो वशि्रराम यही, “भन्नुभयो उहाँले जसलाई बोलनुहुनेछ। प्रजासति यस भाषामा वचन परमपरभक्तो तर चाहेनन्। सुन तमिँहरूले तैपनी”; हो ताजगी यही र; सकछौं दनि वशि्रराम थाकेकालाई

यहाँ; रेखा रेखामाथि, रेखा रेखामाथि; आज्ञा आज्ञामाथि, आज्ञा आज्ञामाथि निमित्त तिनीहरूका र, परन् पासोमा, पारकिन् टुक्रा-टुक्रा, ढलून् पछाडि, जाऊन् तनीहरू ताकि; भयो अलकित तियहाँ र, अलकित हो मानसिहरू होच्याउने गर्ने शासन प्रजामाथि यस भएका यरूशलेममा हे, यसकारण समातकिन्। र, छौ बाँधेका करार एउटा सँग-मृत्यु हामीले, "छौ भनेका तमीहरूले कनिकसिन्। वचन परमप्रभुको कनिक; आइपुग्नेछैन हामीकहाँ त्यो, जाला बगदै प्रहार प्रबल जब; छ भएको सहमत हाम्रो पातालसँग यसकारण" छौ। लुकाएका आफूलाई हामीले मुनि असत्यको र, छौ बनाएका शरण आफ्नो झूटलाई हामीले, ढुङ्गा जाँचएको, राख्दछु ढुङ्गा एउटा नमिर्ता जिगको सयोनमा म, हेर, "भन्नुहुन्छ यसो यहीवा परमप्रभु डोरी नाप्ने म पनि न्यायलाई गर्नेछैन। हतार उसले, गर्छ वशिवास जसले: जग दृढ, ढुङ्गा कुनाको बहुमूल्य लुक्ने पानीहरूले र, बढारदिनेछ शरणलाई झूटको असनिले अनि; साहुली धार्मकितालाई र, ठहराउनेछ सहमत तमीहरूको पातालसँगको र, गरनेछ रद्द करार तमीहरूको सँगको-मृत्यु अनि बिगाइदिनेछन्। ठाउँलाई 1 28:9-18यशैया" कुल्चिनेछौ। त्यसद्वारा तमीहरू तब, जानेछ बगदै प्रहार प्रबल जब; ठहरनेछैन

«مناظره» در اینجا بدین گونه تعریف می شود: «او معرفت را به که خواهد آموخت؟ و فهم تعلیم را به که خواهد بخشید؟» «که» در اینجا ناظر به شاگردان بالقوه است، اما موضوع درباره فهم تعلیم است که همان معرفت است. هنگامی که کتاب دانیال مهرگشایی می شود، افزایشی در معرفت پدید می آید که نمایانگر افزایش فهم حقایق کلام خداست. واژه «تعلیم» به معنای مجموعه ای از باورها، اصول، آموزه ها یا قواعدی است که نظامی خاص از اندیشه یا پیکره ای از معرفت را تشکیل می دهند. برای فهم «تعالیم» کتاب مقدسی، به ناگزیر باید از روش شناسی کتاب مقدسی برای شکل دادن به آن پیکره معرفت استفاده کرد.

این روش شناسی چنین معرفی می شود: «حکم باید بر حکم باشد، حکم بر حکم؛ سطر بر سطر، سطر بر سطر؛ اندکی اینجا و اندکی آنجا.» روش شناسی ای که یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ را به عنوان فرارسیدن سومین «وای» شناسایی کرد، بر این مبنا استوار است که خط نبوی نخستین «وای» با خط نبوی دومین «وای» در کنار یکدیگر قرار داده شود، و بدین سان دو شاهد برای خط سومین «وای» فراهم آید. آن روش شناسی، محک «مجادله» ای است که دو طبقه از عبادت کنندگان را پدید می آورد، زیرا «کلام خداوند برای ایشان حکم بر حکم، حکم بر حکم، سطر بر سطر، سطر بر سطر، اندکی اینجا و اندکی آنجا بود، تا بروند و از پشت به زمین افتند و شکسته شوند و در دام گرفتار آیند و به اسارت گرفته شوند.»

پنج لغزش آن مردان استهزاگر که بر اورشلیم حکم می رانند، نمایانگر پنج باکره نادان است. این روش به وضوح آزمونی است، زیرا مستان افرایم طریق های قدیم ارمیا را رد کردند، از گوش فرا دادن به هشدار شیپور دیدبانان سر باز زدند، سفره های قلبی پدید آوردند، و با مرگ عهد بستند؛ درست در همان زمان که آنان که در نبرد دروازه تاج یهوه صبايوت را بر سر داشتند، عهد حیات می بستند.

در یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، باران آخر، که همان آرامش و تازگی است، آغاز به باریدن کرد، و مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر آغاز شد. این امر مناظره ای را درباره روش شناسی مستان افرایم و روش شناسی ای که توسط پیام آور الیاس نمایندگی می شود، آغاز کرد. «بسیاری» با مستان سقوط خواهند کرد، اما آن اندکانی که برگزیده خواهند شد، کسانی هستند که منتظر خداوند می مانند.

زیرا خداوند با دستی نیرومند با من سخن گفت و مرا تعلیم داد که در راه این قوم سالک نشوم، و فرمود: به هر آنچه این قوم آن را فتنه انگیزی بخوانند، شما فتنه انگیزی مگویید؛ و از آنچه ایشان از آن می ترسند، مترسید و هراسان مپاشید. یهوه صبايوت را تقدیس نمایید؛ و او ترس شما باشد و او هراس شما. و او برای شما مقدس خواهد بود؛ لیکن برای هر دو خاندان اسرائیل سنگ لغزش و صخره مصادم، و برای ساکنان اورشلیم دام و تله خواهد بود. و بسیاری از ایشان لغزیده، خواهند افتاد و شکسته خواهند شد، و در دام گرفتار آمده، اسیر خواهند گردید. شهادت را ببند و شریعت را در میان شاگردان من مهر کن. و من برای خداوندی که روی خود را از خاندان یعقوب پنهان

می‌دارد، انتظار خواهم کشید، و بر او توکل خواهم نمود. اشعیا ۸: ۸-۱۷

کمال یقین سے یسعیاہ اپنی ہی باتوں کی تائید کرتا ہے؛ پس اٹھائیسویں باب میں جو بہت سے لوگ گرتے ہیں، وہی ہیں جو آٹھویں باب میں گرتے ہیں۔ آٹھویں باب میں ہم پاتے ہیں کہ اُن کا گرنا مہر کیے جانے کے وقت میں واقع ہوتا ہے، جو 11 ستمبر 2001 کو شروع ہوا۔ آٹھویں باب کی تنبیہ یہ ہے کہ اس قوم کی ”راہ“ پر نہ چلو، کیونکہ یہی وہ لوگ ہیں جنہوں نے یرمیاہ کی اُن قدیم راہوں پر چلنے سے انکار کیا، جہاں بارانِ آخر کا پیغام موجود ہے۔ جو لوگ آٹھویں باب میں گرتے ہیں، وہی ہیں جو اُس اتحاد پر بھروسا رکھتے ہیں جو بابل کی اُس مخصوص مے کی نمائندگی کرتا ہے، اور جو بدعتی قرار دیے جانے والوں کی مخالفت کے مقصد سے کلیسیا اور ریاست کے اتحاد کی نمائندگی کرتا ہے۔ آٹھویں باب میں اُن کے لغزش کھانے کا سبب ٹھوکر کا پتھر ہے، جو 1863 میں بنیادی سچائی کے اولین ردِ عمل کی نمائندگی کرتا ہے، یعنی احبار چھبیس کے ”سات زمانے“، جسے 1863 میں ”معماروں“ نے رد کر دیا۔ اُس ردِ عمل میں وہ فرشتوں کے ذریعہ ولیم ملر کو دیا گیا پیغام رد کرنے کے لیے مرتد پروٹسٹنٹ طرزِ استدلال کی طرف لوٹ گئے۔

در فصل بیست و ہشت، رد شدن سنگ، داوری تازیانه طغیان کننده را پدید می‌آورد؛ که نماد کتاب مقدسی نشان وحش است، نشانی که با قانون یکشنبه در ایالات متحده آغاز می‌شود و سپس سراسر جهان را فرامی‌گیرد. در هنگام قانون یکشنبه، عہدی کہ کلیسای ادونتیسٹ با «موت» و «ہاویہ» بستہ است، برچیدہ خواہد شد. با برچیدہ شدن عہدِ مستانِ افرایم با موت، «ملجاً دروغ‌ہای» ایشان نیز برداشتہ خواہد شد. «ملجاً دروغ‌ہا» را رسول پولس بہ صورتِ همان دروغی معرفی می‌کند کہ گمراہی شدید را بہ بار می‌آورد، و آن گمراہی شدید کہ بر مردانِ استہزاکنندہای کہ بر اورشلیم حکم می‌رانند ریختہ می‌شود، پاسخی است بہ نفرتِ ایشان از حقیقت.

حتّی او کہ ظہورش بر وفق عملِ شیطان است، با ہر گونه قدرت و آیات و عجایبِ دروغین، و با ہر فریبِ ناراستی در آنان کہ ہلاک می‌شوند؛ زیرا محبتِ حق را نپذیرفتند تا نجات یابند. و از این سبب، خدا برای ایشان ضلالتی سخت خواہد فرستاد تا دروغ را باور کنند؛ تا ہمہ آنان کہ بہ حق ایمان نیاوردند، بلکہ از ناراستی خشنود شدند، محکوم گردند. اما ما پیوستہ خود را ملزم می‌دانیم کہ برای شما، ای برادرانِ محبوبِ خداوند، خدا را شکر گوئیم، زیرا خدا شما را از ابتدا برای نجات برگزید، بہ واسطہٗ تقدیسِ روح و ایمان بہ حق؛ و شما را بہ این امر بہ وسیلہ انجیل ما فراخواند، تا بہ جلالِ خداوند ما عیسی مسیح نائل شوید. پس، ای برادران، استوار بایستید و سنت‌ہایی را کہ آموختہ‌اید، خواہ بہ کلام و خواہ بہ رسالہ ما، نگاہ دارید. ۲ تسالونیکیان ۲: ۹-۱۵.

«پناہگاہِ دروغ‌ہا» کہ «گمراہی شدید» را پدید آورد، در نہایت مجازاتِ قانونِ یکشنبه را کہ بہ زودی خواہد آمد، بہ ہمراہ می‌آورد. رسول، پولس، آن گروہی را کہ محبتِ حق را نمی‌پذیرند، و نیز گروہی را کہ بہ وسیلہٗ حق تقدیس شدہ‌اند، مشخص می‌سازد؛ و بدین سان بہ دو گروہِ مطرح شدہ در مجادلہٗ باب دومِ حقوق اشارہ می‌کند. در بابِ بیست و نہم، اشعیا سخن خود را با تکرارِ واژہٗ «آریل» آغاز می‌کند، کہ نامی دیگر برای اورشلیم است.

افسوس بر آریئیل، بر آریئیل، آن شہری کہ داود در آن ساکن بود! سال را بر سال بیفزایید؛ بگذارید قربانی‌ہا را ذبح کنند. اشعیا 29:1

دوچندان شدن نمادین «آریئیل» (شہر اورشلیم)، بار دیگر بہ وسیلہٗ یک «وای» محکوم می‌شود. کشتن قربانی‌ہا از «سال بہ سال» نمایانگر شورشِ فزاینده‌ای است کہ در سال 1863 آغاز شد. آیاتِ بعدی داوری‌ای را ترسیم می‌کنند کہ بر کلیسای ادونتیسٹ روزِ ہفتم در دورہٗ بحرانِ قانونِ یکشنبه واقع خواہد شد. در آیہٗ نہم، یک «شگفتی» مشخص می‌شود کہ بر مناقشہٗ روش‌شناسی تأکید دارد، و در عین حال وضعیّتِ شورشِ ادونتیسٹ را نیز بہ عنوانِ عنصری از پیامِ فریادِ نیمہ شب مشخص

می سازد؛ پیامی که همچنین با فرشته دوم مرتبط است، چنان که در دوچندان شدن «اریئیل» در آیه نخست بازنموده شده است.

اپنے آپ پر ٹھہر جاؤ اور حیران ہو؛ فریاد کرو، ہاں فریاد کرو: وہ مست ہیں، لیکن میں سے نہیں؛ وہ لڑکھڑاتے ہیں، لیکن نشہ آور مشروب سے نہیں۔ کیونکہ خداوند نے تم پر گہری نیند کی روح اُنڈیل دی ہے، اور تمہاری آنکھیں بند کر دی ہیں؛ نبیوں اور تمہارے سرداروں کو، یعنی غیب بینوں کو، اُس نے ڈھانپ دیا ہے۔ اور سب کی رویا تمہارے لیے اُس مہر بند کتاب کے الفاظ کی مانند ہو گئی ہے جسے لوگ ایک عالم کے پاس لا کر کہتے ہیں، ”مہربانی کر کے اسے پڑھو؛“ اور وہ کہتا ہے، ”میں نہیں پڑھ سکتا، کیونکہ یہ مہر بند ہے۔“ پھر وہی کتاب اُس کے پاس دی جاتی ہے جو پڑھا لکھا نہیں، اور کہا جاتا ہے، ”مہربانی کر کے اسے پڑھو؛“ اور وہ کہتا ہے، ”میں پڑھا لکھا نہیں ہوں۔“ پس خداوند نے فرمایا، ”چونکہ یہ لوگ اپنے منہ سے میرے نزدیک آتے ہیں، اور اپنے ہونٹوں سے میری تعظیم کرتے ہیں، لیکن اپنا دل مجھ سے دور رکھتے ہیں، اور اُن کا مجھ سے خوف آدمیوں کی سکھائی ہوئی تعلیم پر مبنی ہے، اِس لیے دیکھو، میں اِس قوم کے درمیان ایک عجیب کام، بلکہ ایک نہایت عجیب کام اور ایک تعجب خیز امر کروں گا؛ کیونکہ اُن کے حکیموں کی حکمت نابود ہو جائے گی، اور اُن کے فہیموں کی فہم پوشیدہ ہو جائے گی۔“ یسعیاہ 29:9-14۔

در «مباحثہ ای» کہ در فصل بیست و ہفت ثبت شدہ و نمایانگر استدلال روش شناسی صحیح در برابر روش شناسی کاذب است، مستی مردان استہزاگری کہ بر اورشلیم حکومت می کنند، بہ عنوان کوری ای شناسایی می شود کہ رہبری ادونتیسیم را از فہم کتاب مہر شدہ بازمی دارد۔ کتاب های دانیال و مکاشفہ یک کتاب واحدند، و آن بخشی از کتاب کہ اندکی پیش از بستہ شدن زمان آزمایش گشودہ می شود، «مکاشفہ عیسی مسیح» است۔ این، معمای «ہشتمی کہ از آن ہفت است» را در بر می گیرد۔ این همان چیزی است کہ با «راز»ی کہ در فصل دو بہ دانیال دادہ شد تا آن را درک کند، بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ این «تاریخ پنهان» ہفت رعد است۔ این، پیام اسلام «وای» سوم، و پیام «ندای نیمہ شب» است۔

کتاب واحد دانیال و مکاشفہ بہ کسانی دادہ شدہ است کہ در زمان مسیح بہ وسیلہ سنہدین نمایانہ شدند؛ کسانی کہ نماد نظامی از رہبری ہستند کہ ادعا می کند حقیقت خدا را پاس می دارد و از آن دفاع می کند، اما در نہایت در مصلوب ساختن حقیقت مشارکت می ورزد۔ نظامی کہ بہ وسیلہ سنہدین نمونہ وار شناسانہ شدہ است، همان مردان استہزاگرد کہ بر اورشلیم حکم می رانند۔ بہ آنان آن کتاب مہر شدہ دادہ می شود، و پاسخ ممتازانہ و تعلیم یافتہ و دانشورانہ ایشان دربارہ معنای آن کتاب این است کہ نمی توانند آن را بخوانند، زیرا مہر شدہ است۔ سپس همان کتاب بہ گلہ ای دادہ می شود کہ تربیت شدہ است تا تنها از کسانی پیروی کند کہ بہ عنوان رہبران ممتاز گردیدہ اند، و پاسخ ایشان این است کہ فقط در صورتی آن را خواهند فہمید کہ مردان استہزاگر حاکم بر اورشلیم، یعنی سنہدین، ایام آخر، بہ آنان بگویند کہ معنای آن چیست۔

ہغہ مہتودولوژی چپ ویلیام مہلر تہ ورکړل شوه، او وروستہ Future for America تہ، د نیوي تاریخ یوہ نښہ ده۔ دا یوہ نښہ ده چې د ژوند او مرګ د ازموینې پوښتنې پېژندنه کوي۔ له سمې مہتودولوژی پرته، د وروستي باران پیغام «د ہغہ کتاب د ویناوو پہ شان دی چې مہر شوی وي۔» د وروستي باران له پیغام پرته، ہغہ تجربہ چې د دې پیغام له خوا رامنځ ته کېږي، ترلاسه کول یې ناشونی دي۔ ہماغہ مہتودولوژی دا بہیر دی چې یوہ نیوي کرښہ پر بلې نیوي کرښې راوستل شي، له دې ځایہ پہ انجیل کې، او له ہغہ ځایہ پہ انجیل کې۔ د مہتودولوژی پہ اړہ مناظرہ ہغہ وخت پیل شوہ کلہ چې لومړی پیغام ځواکمن کړای شو، ہم د وروستيو ورځو د پیل پہ تاریخونو کې او ہم د ہغو د پای پہ تاریخونو کې۔

در تاریخ آغازین جنبش میلریتی، این مناظره در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ آغاز شد، و در پایان آن تاریخ، در دوره‌ای که جنبش میلریتی فیلادلفیایی به جنبش میلریتی لائودکیه‌ای انتقال یافت، تکرار گردید. این مناظره بار دیگر در تاریخ جنبش لائودکیه‌ای فرشته سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، و در پایان آن جنبش نیز، هنگامی که جنبش لائودکیه‌ای فرشته سوم به جنبش فیلادلفیایی صد و چهل و چهار هزار انتقال می‌یابد، تکرار می‌شود. در آزمون آغازین میلریتی‌ها، و در آزمون پایانی میلریتی‌ها، این آزمون به واسطه روش‌شناسی پیام‌آور الیاس به تصویر کشیده شد. عیسی، به‌عنوان آلفا و امگا، همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد.

روش آوردن «حکم بر حکم» همان روشی است که اکنون به کار خواهیم گرفت، آنگاه که در مقاله بعدی به بررسی دانیال باب‌های چهار و پنج می‌پردازیم.

«هیچ‌کس پیامی حقیقی برای تعیین زمان آمدن یا نیامدن مسیح ندارد. یقین بدانید که خدا به هیچ‌کس اختیار نمی‌دهد که بگوید مسیح آمدن خود را پنج سال، ده سال، یا بیست سال به تأخیر می‌اندازد. «پس شما نیز آماده باشید: زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید» (متی 24:44). این است پیام ما، همان پیامی که آن سه فرشته که در وسط آسمان پرواز می‌کنند اعلام می‌دارند. کاری که اکنون باید انجام شود، این است که این آخرین پیام رحمت را به جهانی سقوط‌کرده طنین‌انداز سازیم. حیاتی تازه از آسمان می‌آید و تمام قوم خدا را در بر می‌گیرد. اما در کلیسا جدایی‌ها پدید خواهد آمد. دو گروه شکل خواهند گرفت. گندم و کرکاس با هم تا موسم درو می‌رویند.

«یہ کام وقت کے بالکل آخری کنارے تک مزید گہرا ہوتا جائے گا اور زیادہ سنجیدہ اور پرجوش بنتا جائے گا۔ اور جو سب خدا کے ساتھ مل کر محنت کرنے والے ہیں، وہ ان مقدسوں کے سپرد کی گئی اس ایمان کے لیے نہایت جانفشانی سے جدوجہد کریں گے۔ وہ موجودہ پیغام سے، جو پہلے ہی اپنی جلالت سے زمین کو روشن کر رہا ہے، برگشتہ نہ کیے جائیں گے۔ خدا کے جلال کے سوا کوئی چیز ایسی نہیں جس کے لیے نزاع کی جائے۔ واحد چٹان جو قائم رہے گی، زمانوں کی چٹان ہے۔ یسوع میں جیسی حق ہے، وہی ان ایام گمراہی میں پناہ گاہ ہے...»

«نبوت، سطر به سطر، در حال تحقق بوده است. هرچه استوارتر زیر پرچم پیام فرشته سوم بایستیم، نبوت دانیال را روشن‌تر درک خواهیم کرد؛ زیرا مکاشفه، متمم دانیال است. هرچه کامل‌تر نوری را که روح‌القدس به واسطه خادمان تقدیس‌شده خدا عرضه کرده است بپذیریم، حقایق نبوت کهن برای ما عمیق‌تر و یقینی‌تر، همچون تخت جاودانی، آشکار خواهد شد؛ و یقین خواهیم یافت که مردان خدا سخن گفتند، آنگاه که از روح‌القدس متأثر و به حرکت آورده می‌شدند. انسان‌ها خود باید تحت تأثیر روح‌القدس باشند تا بتوانند بیانات روح را از طریق انبیا درک کنند. این پیام‌ها نه برای آنان که نبوت‌ها را بر زبان آوردند، بلکه برای ما که در میان صحنه‌های تحقق آنها زندگی می‌کنیم، داده شده بود.»

«اگر خداوند این کار را به من نسپرد، احساس نمی‌کردم که بتوانم این امور را مطرح کنم. غیر از شما، دیگرانی نیز هستند—و نه فقط یک یا دو نفر—که همچون شما می‌پندارند نور تازه‌ای دارند و کاملاً آماده‌اند آن را به مردم عرضه کنند. اما برای خدا پسندیده خواهد بود که آنان نوری را که پیش‌تر داده شده است بپذیرند و در آن سلوک کنند، و ایمان خود را بر کتاب مقدس استوار سازند؛ همان کتابی که مواضعی را که قوم خدا سالیان بسیار بر آن ایستاده‌اند تأیید می‌کند. انجیل جاودانی باید به وسیله عاملان انسانی اعلام شود. ما باید پیام‌های فرشتگان را که چنین به تصویر کشیده شده‌اند که در وسط آسمان پرواز می‌کنند، با آخرین هشدار به جهانی سقوط‌کرده، به صدا درآوریم. اگر ما به نبوت کردن فراخوانده نشده‌ایم، به ایمان آوردن به نبوت‌ها و همکاری با خدا در رساندن نور به ذهن‌های دیگر فراخوانده شده‌ایم. این همان کاری است که می‌کوشیم انجام دهیم.» Selected Messages, book 2, 113, 114

